

## معرفی و نقد کتاب

### ناسیونالیسم<sup>۱</sup>

#### معرفی

ارنست گلنر به عنوان یکی از مهم ترین نظریه پردازان هویت، برای پژوهشگران ایرانی نامی آشنا است. کتاب های *اندیشه و تغییر* (۱۹۶۴)، *ملت ها و ناسیونالیسم* (۱۹۸۳)، *مشروعیت باور* (۱۹۷۵)، *مواجهه با ناسیونالیسم* (۱۹۹۵) از جمله آثار وی می باشد که هر یک موجب مباحثات و مناظرات فکری عمده ای در میان پژوهشگران و علاقه مندان حوزه هویت و ناسیونالیسم شده است. کتاب *ناسیونالیسم* (۱۹۹۷) آخرین اثر انتشار یافته از گلنر پس از مرگ وی در سال ۱۹۹۵ م. می باشد.

این کتاب دربرگیرنده یک پیش گفتار و شانزده فصل می باشد که در هر فصل به نحوی موجز و در عین حال جدی و عمیق به بحث درخصوص موضوع های ارائه شده پرداخته شده است.

در فصل اول با عنوان «فرهنگ و قدرت»، به موضوع فرهنگ به عنوان زیربنای هویت و ملی گرایی پرداخته شده است. به زعم گلنر، فرهنگ به معنای یک سبک مشترک در استفاده از واژگان، حرکات چهره و بدن، شیوه های لباس پوشیدن، تهیه و مصرف خوراک و... است (ص ۵). علاوه بر فرهنگ، نوعی سازمان<sup>۲</sup> در همه جوامع انسانی وجود دارد که براساس آن هر یک از اعضای جامعه دارای موقعیت اجتماعی خاص با انتظارات، حقوق و وظایف و امتیازات و تعهدات معین است (ص ۷). در واقع، مفهوم سازمان ناظر بر نوعی رده بندی و تقسیم بندی اجتماعی برحسب معیارهایی نظیر

۱. گلنر، ارنست (۱۳۸۸)؛ *ناسیونالیسم*، ترجمه سیدمحمدعلی تقوی، تهران: مرکز، ۱۳۴ صفحه.

2. Organization

سن، جنس و طبقه اجتماعی است. در این میان، ملی‌گرایی به‌عنوان مرامی سیاسی، بر مبنای تشابه فرهنگی شکل می‌گیرد و پیوند اجتماعی را برای عضویت در یک جامعه سیاسی سامان می‌دهد.

عنوان فصل دوم، «فرهنگ و سازمان، دولت‌ها و ناسیونالیسم» می‌باشد که به بحث در خصوص قدیمی و همیشگی بودن فرهنگ و سازمان و برساخته شدن دولت و ناسیونالیسم و همه‌جایی نبودن آن می‌پردازد. گلنر یادآور می‌شود که «بخش مهمی از پیش‌زمینه نگرش ناسیونالیستی به جهان وجود یک دولت متمرکز است، اما در برخی از جوامع اصلاً دولت وجود ندارد. به‌عنوان نمونه در برخی جوامع قبیله‌ای بدون دولت، نظم از طریق توازن قوا میان اجزای قبیله حفظ می‌شود و نه توسط یک نهاد مرکزی و سازوکاری که ما معمولاً وجود آن را مفروض می‌گرفتیم» (ص ۹).

ناسیونالیسم به‌عنوان مشخص‌کننده محدودۀ یک واحد سیاسی با یک نهاد کنترل‌کننده (دولت)، نه امری جهانشمول بلکه نهاد یا دکترونی است که وجود آن وابسته و متکی به وجود دولت به‌عنوان پدیده‌ای جدید می‌باشد.

از دیدگاه گلنر، «ناسیونالیسم نظریه‌ای خطرناک است، نه صرفاً به این دلیل که نظریه‌ای کاذب است، بلکه بیشتر بدان سبب که خود را بدیهی می‌شمارد، بدیهی به گونه‌ای که معتقدان بدان تصور نمی‌کنند که این یک نظریه است که بدان باور دارند» (ص ۱۲). بنابراین، ناسیونالیسم یک ابداع و محصول اندیشه گروهی از متفکران در یک مقطع خاص تاریخی و متأثر از شرایط اجتماعی خاصی (که البته جهانشمول نیست)، می‌باشد (صص ۱۵-۱۸).

عنوان فصل سوم، «تاریخچه نوع بشر» می‌باشد که در آن تلاش شده است برای تبیین زمینه‌های شکل‌گیری دولت و ناسیونالیسم سه مرحله اصلی تاریخ بشر یعنی دوران گردآوری خوراک، عصر کشاورزی و جامعه علمی و صنعتی مورد بحث قرار گیرد. در دوره نخست، با توجه به ماهیت بدوی مدیریت سیاسی و نبود یک فرهنگ مدون و نوشته در اصل چیزی تحت عنوان رابطه فرهنگ و جامعه سیاسی مطرح نبود، رابطه‌ای که ناسیونالیسم در بطن آن پدید آمد (ص ۱۹). در دوره کشاورزی، مسئله رابطه قدرت سیاسی و فرهنگ مطرح بود، ولی با توجه به این‌که مهم‌ترین کارکرد فرهنگ، تقویت و تضمین نظام سلسله‌مراتبی حاکم بر نظام اجتماعی بود نه تعیین مرزهای جامعه سیاسی، جامعه سیاسی دوره کشاورزی عموماً یا کوچک‌تر از محدوده یک فرهنگ بود (مثل دولت شهرها، جوامع روستایی و قبیله‌ای) یا از مرزهای یک فرهنگ بسیار فراتر می‌رفت (مثل امپراتوری‌ها) (صص ۲۷-۲۸).

در فصل چهارم با عنوان «جهان صنعتی و در حال صنعتی شدن»، رشد اقتصادی به عنوان یکی از معیارهای بنیادین مشروعیت سیاسی (برای ارزیابی مقبولیت) در جهان صنعتی مورد توجه قرار گرفته است. در جامعه صنعتی، متأثر از تحرک اجتماعی گسترده، افراد وفاداری‌های سلسله مراتبی گذشته را رها کرده و بدون لقب و یا انتساب قبیله‌ای هستند. هم‌چنین، ماهیت معنایی کار متحول شده و تفکر و خلاقیت جایگزین نیروها و عضلات آدمی می‌شود (صص ۳۶-۳۷).

فصل پنجم با عنوان «چندگانگی دیگ‌های مذاب»، به بحث درخصوص چرایی عدم شکل‌گیری یک فرهنگ جهانی همگون و یکپارچه اختصاص دارد. این که لیبرال‌ها و مارکسیست‌ها چگونه تلاش کردند با طرح ایده‌های کل‌نگر زمینه‌های «گذار بزرگ» به یک فرهنگ واحد جهانی را فراهم کنند؛ اما در این کار موفق نشدند (صص ۴۰-۴۲). از دیدگاه گلنر، علاوه بر «ناهموار بودن سطح زمین و تمایل گروه‌های فرهنگی بزرگ برای بقا» دلایل دیگری نیز وجود دارند که سبب می‌شود فرهنگ جهانشمولی متأثر از صنعتی شدن شکل نگیرد (صص ۴۶-۴۷).

در فصل ششم با عنوان «مراحل گذار»، تجارب متفاوت گذار از جامعه کهن به جامعه معاصر در اروپا مورد بررسی قرار گرفته است. گلنر گذار از نظام اجتماعی ماقبل ملی به یک نظام ملی را طی پنج مرحله شناسایی می‌کند: وضعیت وینی (عدم توجه به قومیت در پی‌ریزی صلح در کنگره وین)، عصر انضمام‌طلبی (شورش‌ها و قیام‌های ملی‌گرایی)، عصر ورسای و ویلسون (محدودیت یافتن اصل ملی‌گرایی در چارچوب یک صلح غیرعادلانه تحمیلی بر آلمان)، عصر پاکسازی قومی (انطباق مرزهای واحد سیاسی و واحد قومی بر یکدیگر) و عصر کاهش احساسات ملی (کاهش احساسات قومی در زندگی سیاسی در جوامع پیشرفته صنعتی) (صص ۴۸-۶۲).

نویسنده در فصل هفتم با عنوان «ترویج کشور و فرهنگ» به بحث درخصوص پیچیدگی‌های فرهنگ‌های موجود در نواحی مختلف اروپا می‌پردازد. ناحیه یک در سواحل اروپایی اقیانوس اطلس قرار دارد که در این ناحیه مدت‌ها قبل از صنعتی شدن و ظهور نظریات ملی‌گرایانه، مرزها کم‌وبیش با تقسیمات فرهنگی - زبانی تطبیق می‌کرد (ص ۶۴). ناحیه دو که شرق منطقه ساحلی اقیانوس اطلس را دربرمی‌گیرد و در آن دولت و اتحاد سرزمینی وجود نداشت. بنابراین، در این ناحیه نه دولت‌های ملی شکل گرفت و نه فرهنگ‌های ملی. ناحیه چهار، اروپای شرقی است که در رویارویی با

تهاجم و سرکوب شوروی قرار گرفت و غایت آن فروپاشی رژیم کمونیستی شوروی بود (صص ۶۳-۷۱).

«خطر مرگبار ملی‌گرایی» عنوان فصل هشتم می‌باشد که به موضوع پیامدهای مهلک ملی‌گرایی در نیمه اول قرن بیستم اختصاص دارد (ص ۷۳). شرایط اجتماعی - اقتصادی (فشارهای اقتصادی، اختلال در زندگی سنتی، مهاجرت بی‌رویه، گسترش فقر، ...)، و سنت‌های فرهنگی و سازمانی (وجود دولت‌های به نسبت ضعیف) و عوامل ایدئولوژیک از جمله عواملی بودند که در قرن بیستم موجب ظهور جنبه‌های ویرانگر ملی‌گرایی شدند (صص ۷۴-۷۶).

فصل نهم با عنوان «سه مرحله اخلاق»، به بحث درخصوص سه نوع اخلاق ظهور یافته یعنی اخلاق وظیفه‌محور، اخلاق روشنگری و رمانتیسیم اختصاص دارد. اخلاق وظیفه‌محور مبتنی بر ایده «موقعیت من و وظایف مرتبط با آن» بوده و افلاطون بهترین مبلغ این دیدگاه بود. در مقابل این نگرش، اخلاق روشنگری فردگرایانه، جهانشمول و برابری‌جویانه شکل گرفت. سرانجام در واکنش به فلسفه روشنگری، نوع سومی از اخلاق بر پایه رمانتیسیم ظهور یافت (صص ۷۷-۷۹).

عنوان فصل دهم، «ریشه‌ها در برابر عقل» می‌باشد که در آن زمینه‌های ظهور نخستین واکنش در برابر عقل‌گرایی جنبش روشنگری در ادبیات مورد بحث قرار گرفته است. درحالی‌که روشنگری بر عقل و عام‌گرایی تأکید داشت، رمانتیسیم احساسات و خاص‌گرایی را می‌ستاید (ص ۸۲).

در فصل یازدهم، با عنوان «ریشه‌ها و انسان»، نسبت میان اندیشه رمانتیک و پیدایی ملی‌گرایی بررسی شده است. رمانتیسیم با طرح مفهوم ریشه‌ها به جای موقعیت اجتماعی، یا عقل به‌عنوان مبنای هویت تحولات مهمی را به وجود آورد (ص ۸۸).

فصل دوازدهم با عنوان «دین و فرهنگ» به بحث درخصوص اهمیت فرهنگ به‌عنوان مبنای عضویت و احساس تعلق می‌پردازد. این نوع عضویت نه بر مبنای موقعیت اجتماعی افراد بلکه بر مبنای فرهنگ یا صلاحیت عضویت در جامعه فرهنگی تعریف می‌شود و ارزشمندترین دارایی برای شخص به حساب می‌آید، زیرا پیش شرط برخورداری یا دسترسی به تمامی امکانات دیگر است (ص ۹۱).

«بنیادگرایی اسلامی و ملی‌گرایی عربی»، عنوان فصل سیزدهم می‌باشد که درصدد ارائه تجربه‌ای متفاوت از الگوی اروپایی ملی‌گرایی در جهان اسلام می‌باشد. به‌زعم

نویسنده، ملی‌گرایی عربی متأثر از تحولات رخ داده در غرب نظیر ملی‌گرایی و شکل‌گیری جوامع ملی است؛ همچنان‌که در غرب نیز چنین شد (ص ۱۰۱). گلنر بیان می‌کند «اسلام از این جهت با سایر ادیان متفاوت است که به وضوح با سکولاریسم ناسازگار است» (ص ۱۰۲).

فصل چهاردهم با عنوان «مارکسیسم و اسلام» به تبیین دو مسئله اختصاص دارد؛ نخست مقاومت قدرتمندانه اسلام در برابر روند رو به گسترش سکولاریسم؛ و دوم، فروپاشی ناگهانی، کامل، بدون مقاومت و مفتضحانه مارکسیسم (ص ۱۰۳). نویسنده می‌کوشد سرشت و چشم‌انداز کاملاً متفاوت مارکسیسم و اسلام با ملی‌گرایی را مورد بررسی قرار داده و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها را برشمرد.

فصل پانزدهم با عنوان «آیا ملت‌ها ناف دارند؟»، به تبیین دو دیدگاه ازلی‌انگاران و نوگرایان پیرامون ملی‌گرایی و در واقع پاسخ به این پرسش اختصاص دارد که آیا حس قومیت، احساس تعلق به یک ملت و ابراز این احساس آتشین با زبان سیاست، امری قدیمی بوده و در طول تاریخ وجود داشته است، یا برعکس، امری جدید بوده و محصول دنیای معاصر است؟ (ص ۱۰۸). از آن جایی که گلنر در زمره نوگرایان قرار می‌گیرد، ملی‌گرایی را پدیده‌ای ذاتاً نو تلقی می‌کند، اما احساس تعلق و هویت را امری قدیمی می‌داند که برخی ملل قدیمی همواره از آن برخوردار بوده‌اند.

واپسین فصل کتاب با عنوان «نتایج عملی»، به بررسی جوانب و چشم‌اندازهای ملی‌گرایانه می‌پردازد. به‌زعم گلنر، «ملی‌گرایی فقط یک پدیده نیست، یک مشکل نیز هست و آن هم نه فقط برای کسانی که به دلیل تعهدشان به جهان‌گرایی یا طبقه‌گرایی معتقدند که ملت‌ها ذاتاً مبنای مناسبی برای نظام سیاسی نیستند. حتی اگر فردی به هیچ نظریه‌ای در باب ساختار و مرزهای مناسب کشور متعهد نباشد، باز هم به دلیل ویرانی‌ها، رنج‌ها، بی‌رحمی‌ها و بی‌عدالتی‌های ناشی از ملی‌گرایی آشفته خاطر خواهد شد» (ص ۱۲۲).

توصیه‌هایی هم که در پایان کتاب برای رفع مشکلات ملی‌گرایی و ایجاد چشم‌انداز مطلوب تعلق سیاسی ارائه می‌شود، بسیار کلی‌اند: مرجح شمردن ثبات و اجتناب از بی‌ثباتی، تلاش برای دستیابی به وفور و رفاه، متمرکز ساختن سازوکارهای اصلی حفظ نظم و تمرکززدایی از سازوکارهای تأمین رفاه اجتماعی، و پس از آن، زدودن بت‌واره سرزمین.

## ۱. نقد شکلی

ترجمه فارسی کتاب توسط یکی از ناشران معتبر ایرانی به زیور طبع آراسته شده و کمتر در آن نقص و ایرادی به لحاظ چاپی وجود دارد. صفحه‌آرایی و حروف‌چینی و چاپ مناسب ترجمه فارسی از نکات مثبت این کتاب به لحاظ شکلی است. اما از جهت ترجمه، به‌رغم ترجمه‌ای روان و سلیس شاهد برخی ایرادها هستیم که برخی از آنها بیشتر جنبه ذوقی و سلیقه‌ای و بخشی دیگر نیازمند تصحیح می‌باشد. این نقایص را می‌توان بدین صورت ارائه کرد:

واژه نامناسب	صفحه	واژه درست	معادل انگلیسی
مواجهه‌ها با ناسیونالیسم	۲	مواجهه با ناسیونالیسم	Encounters with Nationalism
آغازین‌گرایان	۴	ازلی‌انگاران	Primordialists
ناسیونالیسم سر خود را هم بلند نکرد ...	۵۰	ناسیونالیسم ظهور نیافت ...	
چندگرایی	۶۰	کثرت‌گرایی	Pluratism
سپرده غفلت	۸۱	پرده جهل	Veil of ignorance
اجتماع	۸۹	جامعه	Gesellschaft=society
جامعه هم بسته	۸۹	اجتماع	Germinschafft=community
اجماع غیرمبتنی بر استدلال	۱۲۴	اجماع غیرمستدل	Non-reasonable commonsensus

## ۲. نقد محتوایی

گلنر در کتاب *ناسیونالیسم* تلاش نموده است عصاره ایده‌ها و اندیشه‌های اصلی خود را در خصوص ملی‌گرایی ارائه کند. از این‌رو، افرادی می‌توانند از این اثر بهره بیشتری ببرند که به نحوی تخصصی در این حوزه مطالعات پیشینی دارند. در واقع، اثر حاضر با رویکردی مجمل نگاشته شده و در آن بیشتر نکات کلیدی در دیدگاه گلنر ارائه شده است. بنابراین مطالعه صرف این اثر نمی‌تواند برای خوانندگانی که در این زمینه مطالعات قبلی ندارند، مفید باشد.

ایجاز و اختصار موجود در کتاب باعث شده است مفاهیم پایه و اساسی مطرح شده نظیر فرهنگ و سازمان واکاوی و تدقیق نشود. به‌عنوان نمونه، علی‌رغم طرح بحث سازمان در صفحه هفتم این اثر، مفهوم روشن و دقیقی از آن ارائه نشده است. هم‌چنین مدلی عملیاتی و روشن برای تبیین نقش فرهنگ و سازمان و جایگاه آن در بحث

ملی‌گرایی در رابطه با مفاهیم دیگری نظیر تاریخ، جغرافیا، دین، اقتصاد و اجتماع روشن نشده است.

هم‌چنین، تعریف ملت بر پایه فرهنگ مشترک (به صورت صرف) نمی‌تواند چندان راهگشا باشد. چنان‌که خود نویسنده بیان کرده است: «درواقع، ما موقتاً مفهوم «ملت» را بر مبنای فرهنگ مشترک تعریف کرده‌ایم. اگرچه این تعریف برای تطابق با پیچیدگی‌های جهان واقع نیازمند جرح و تعدیل است، به عنوان یک مبنای اولیه برای درک پدیده‌ای که مدنظر ماست مناسب به نظر می‌رسد» (ص ۸).

تبیین شکل‌گیری ملی‌گرایی بر اساس نقش فرهنگ در جوامع کشاورزی قدری مبهم به نظر می‌رسد. گلنر، ادعا می‌کند از آن جایی که کارکرد اصلی فرهنگ در جوامع کشاورزی عبارت بود از تقویت و تضمین سلسله مراتبی حاکم بر نظام اجتماعی و از آن جایی که فرهنگ اساساً نمی‌تواند به طور هم‌زمان نقش کاملاً متفاوت دیگری ایفا کند؛ در نتیجه ملی‌گرایی نمی‌تواند در جامعه کشاورزی عمل کند (ص ۲۷). در حالی‌که فرهنگ می‌تواند علاوه بر تبیین و تضمین تفاوت‌های فرهنگی - اجتماعی، زمینه‌های تقویت همبستگی اجتماعی و به تناسب آن خودآگاهی ملی (در چارچوب قلمرو محدود<sup>۱</sup>) را فراهم آورد. به تعبیر دقیق، فرهنگ نه دستگاهی یک منظوره، بلکه متضمن فرایندهای چندگانه‌ای است که می‌تواند نقش‌ها و اهداف متفاوتی را پیگیری نماید. هر چند گلنر با اذعان به چنین امری می‌نویسد: «بیان این نکات بدین معنی نیست که [در جوامع کشاورزی] فرهنگ، اهمیت سیاسی ندارد. با این حال، فرهنگ عموماً مرزهای عمودی یعنی موقعیت اجتماعی را تعیین می‌کند، و نه مرزهای جانبی، یعنی محدوده سرزمینی را» (ص ۳۰).

گلنر مدعی است که «آنچه که به طور خلاصه ملی‌گرایی را توضیح می‌دهد، اصل تجانس فرهنگی به عنوان تنها نوع پیوند سیاسی است» (ص ۳۸)، حال آن‌که بیش از تجانس فرهنگی ما شاهد ظهور و بروز تنوعات فرهنگی در متن ملی‌گرایی هستیم. بدین معنا که ملی‌گرایی به رغم تمهید زمینه‌های وحدت و همپارچگی سرزمینی، نمی‌تواند یکسانی و تجانس فرهنگی را از طریق دیوان‌سالاری تحمیل نماید. این واقعیتی است که به یک معنا می‌تواند پاشنه آشیل ملی‌گرایی نیز محسوب شود. زیرا بسیاری از بن‌بست‌های ظهور یافته در متن ایدئولوژی ملی‌گرایی به ایده یکسان‌نگری فرهنگی مندرج در آن و در پیش گرفتن الگوهای یکسان‌سازی بازمی‌گردد.

1. Parochial

نگاه پیوستار به بحث و ارائه بحث در چارچوبی منسجم و در قالب فصول مختلف بر اهمیت این اثر افزوده است. در واقع، هر یک از فصول به نحوی زمینه را برای ارائه بحث در فصل بعدی فراهم می‌آورند.

یکی از انتقادات جدی بر دیدگاه نویسنده، رویکرد عام و انطباق گلنر به فرهنگ غرب و اسلام است که موجب می‌شود نوعی غرب‌محوری در آن مرکزیت یابد. او هم‌چنین در رویکردی تقلیل‌گرایانه تلاش می‌کند تا جریان‌های مختلف اسلام سیاسی را در چارچوب مفهوم «بنیادگرایی اسلامی» مورد خطاب قرار دهد که بیانگر نگرش نادرست گلنر به تنوع هویتی موجود در جهان اسلام می‌باشد.

بهاره سازمند

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

Email: bsazmand@ut.ac.ir

#### منابع

- ۱- گلنر، ارنست (۱۳۸۸): *ناسیونالیسم*، ترجمه سیدمحمدعلی تقوی، تهران: مرکز.
- 2- Ernest Gellner (1964); *Thought and change*, Weidenfeld and Nicolson.
- 3- ----- (1975); *Legitimation of Belief*, Cambridge: Cambridge University Press.
- 4- ----- (1983); *Nations and Nationalism*, London: Blackwell.